

## جایگاه نیایش در ادب فارسی و ادبیات بهائی

شاپور راسخ

موضوع اصلی این گفتار بررسی تحلیلی دعاها و مناجات‌های بهائی است و چون ادب نیایشی بهائی در بستر ادبیات فارسی نشئت یافته و ناچار با آن پیوند استواری دارد، لذا پس از بیان مفهوم دعا و مناجات در باره جایگاه آنها در ادب فارسی سخن خواهد رفت و بعد به جایگاه آنها در معارف بهائی خواهیم پرداخت و ضمناً رابطه ادبیات نیایشی بهائی را با اسلام خصوصاً و با ادیان سایرہ عموماً مورد بحث قرار خواهیم داد.

### مفهوم دعا و مناجات

ذات و عمق دین، ارتباط انسان با امری مقدّس است یعنی موجودی متعالی یا یک هستی برتر و این ارتباط از طریق عبادت یعنی نیایش تحقق می‌یابد. نیایش را فرهنگ دکتر معین چنین تعریف کرده است: «نیایش، مصدر است و به معنی عبادت و پرستش و آن از ریشه ایرانی باستانی نیایه معادل سانسکریت گایاتی به معنی آواز خواندن آمده. نیایش در اسم مصدر به معنی دعا و آفرین است.»

دعا در زبان عربی معانی متعدّد دارد؛ از جمله، خواندن، ندا دادن، صدا زدن، فرا خواندن، درخواست کردن، چیزی را از خداوند خواستن، استغاثه و یاری خواستن، عبادت کردن و پرستیدن و نظایر آن ... (رک به دانش‌نامه قرآن و قرآن‌پژوهی)

در ادیان، نیایش به صور مختلف دیده می‌شود از جمله به صورت دعا و مناجات (که نجوایی با محبوب ابدی است)، سرود، شعر، رقص و سماع و مراقبت در حال

سکوت. در برخی ادیان، نیایش به صورت صلوات یا نماز است که در مواقع معین با عبارات و حرکات معین خواندنش الزامی است. ذکر و تکرار اسماء الله نوع دیگری از نیایش است.

برخی از علما گفته‌اند که دعا در نزد مسلمانان بیشتر خواستن چیزی از خداست در حالی که نزد مسیحیان ابراز عشق و طاعت به محبوب است. در دایرةالمعارف اسلام آمده است که دعا، درخواست چیزی است از خدا به سود خود یا دیگری یا حتی به ضرر کسی. حقّ است که کلمه مناجات بیشتر به معنی نجوا و گفتگو با خدا به صورت خصوصی به کار می‌رود و دعا به معنی خواستن چیزی از خدا مثلاً طلب شفا.

حاصل کلام آن‌که، عبادت، پرستش یا نیایش (worship) اصطلاحی عامّ است و دعا و مناجات که مخابره با امر مقدّس یا جهان متعالی و نیروهای فوق طبیعی و خدا یا خدایان است، مفهومی خاصّ دارد که عبارت از یکی از جلوه‌های عبادت باشد. چنان که گفته شد، عبادت در همه ادیان و مذاهب و در همه ازمنه وجود داشته و به صور مختلف نمودار شده. گاه، جمعی است و بیشتر شخصی و فردی و ضمناً گاه شگردها و فنون مختلف را برای مؤثر بودن به کار می‌گیرد.

دعا یا مناجات، جایگاه مرکزی در دین و مذهب دارد و به قول ویلیام جیمز آمریکایی، اگر دعا نباشد، دین هم وجود ندارد. بعد خواهیم دید که یکی از ائمه اسلام به اعتبار حالت (داعی) یعنی دعا کننده، پانزده نوع دعا قائل شده. یک محقق غربی، انواع دعا را به بیست و چهار رسانده و گمان می‌برم که اگر قصد و هدف یا مضمون مناجات‌ها و ادعیه را در ادیان احصا کنیم، به عددی بیشتر می‌رسیم؛ چنان که در صحیفه کامله سجّادیّه (ترجمه و نگارش جواد فاضل،

نشرهای گوناگون) ذکر پنجاه و چهار نوع دعا آمده، از دعا در ستایش پروردگار و پیامبر و آل محمد گرفته تا دعا در عذرخواهی، توبه، طلب عفو و بخشایش و نظایر آن، حتی دعا در استقبال از ماه‌ها و اعیاد خاص و دعا در اوقات رعد و برق و باران یا خشک سالی و نظایر آن.<sup>(۱)</sup>

دایرةالمعارف بریتانیکا که مقالات متعدده مفصلی را به قضیه دین اختصاص داده، فصلی دارد در باره (Sacred Rites and Ceremonies) یعنی آداب و رسوم مقدس که شامل عبادت و پرستش و دعا و مناجات هم می‌شود (جلد ۲۶) و در مورد دعا می‌نویسد: دعا، یک جنبه با معنی و عمومی دین است و بیانگر احساسات و انحای تلقی مذهبی حاکم بر روابط میان انسان و امر مقدس یا هستی برتر. بعضی از علما، دعا را نخستین شیوه تعبیر و بیان در مذهب شمرده‌اند و رابطه‌اش با دین مثل رابطه اندیشه تعقلی است با فلسفه و بیانگر دین زنده است.

دعاهایی را که الزاماً باید در مواقع خاص به ترتیب خاص خواند، صلوات یا نماز گویند که هم در آیین زرتشتی وجود دارد هم در اسلام و هم در امر بهائی.

گفتنی است که بنیاد آیین زرتشت که برگاتا معتبرترین اثر آن پیامبر ایرانی مبتنی است، همان ستایش اهورامزدا است. در میان ادعیه (خرده اوستا) پنج نماز یا آفرین هست که راجع است به عناصر طبیعی یعنی خورشید، مهر، ماه، آب و آتش.

چنین به نظر می‌رسد که نزد عرفا، دعا بیشتر حالت یک محاوره دوستانه میان فرد حبيب و محبوب او را به خود می‌گیرد و بعضی حالت مناجات عاشقانه را دارد. در دیانت بهائی هم مناجات در مقایسه با ادعیه موجود از جهت شماره غلبه دارد و دعاهای طلب چون طلب مغفرت یا شفا به نسبت محدودتر است.

## انواع دعا به اعتبار داعی

بیشترین ادعیه را امام محمدباقر و امام زین العابدین برای آیندگان باقی نهاده‌اند. امام زین العابدین علی بن حسین معروف به سید سجّاد دعاها را به اعتبار دعاکنندگان به ۱۵ نوع دسته‌بندی کرده است:

۱. دعای تائبان یعنی توبه‌کنندگان
۲. دعای کسانی که از نفس اماره خود شاکی هستند.
۳. دعای خدا ترسان که در عین حال به رحمت و بخشش حقّ امیدوارند.
۴. دعای امیدواران به لطف و کرم حقّ.
۵. دعای معبود خواهان که از خدا می‌خواهند فضل و کرمی که در حقّ آنان روا داشته، باز نگیرد بلکه کامل‌تر کند.
۶. دعای سپاس‌گزاران از نعمت‌های مداوم پروردگار.
۷. دعای مطیعان که خلوص نیت و دوام همّت در این اطاعت را خواستارند.
۸. دعای مریدان که راه حضور به درگاه الهی را می‌جویند.
۹. دعای محبّان یا خدادوستان که از محبوب خود می‌خواهند که ایشان را از جمله مقرّبان درگاه خود سازد.
۱۰. دعای متوسّلان که چشم‌داشت بهره گرفتن از کرم پروردگار و داشتن عاقبتی نیکوست.
۱۱. دعای نیازمندان که قائلند به آن که نیازشان جز خدا برآورنده‌ای ندارد.
۱۲. دعای عارفان که زبان را در ستایش حقّ به وجه شایسته حاضر می‌دارند.
۱۳. دعای ذاکران که خدا را از هر نوع ذکر منزّه می‌دانند.
۱۴. دعای متمسّکان که به عفو و بخشایش خدا چنگ می‌زنند و به آن امید می‌بندند.

۱۵. دعای زاهدان که می‌خواهند خدا آنان را نسبت به دنیا بی‌رغبت گرداند. طبقه‌بندی امام زین‌العابدین سید سجّاد که ادعیه بسیاری از ایشان باقی مانده، نوعی روان‌شناسی مؤمنین در اسلام است؛ هر چند که باور نمی‌توان کرد که این پانزده طبقه هنوز در جامعه اسلامی باقی مانده باشند.

### سابقه مناجات‌های بهائی در ادب فارسی

در این زمینه از سه مقوله سخن خواهد رفت: اول سابقه این مناجات‌ها در ادعیه اسلامی، دوم سابقه در نثرهای دینی - ادبی و بالاخره سابقه در اشعار پس از این، به سابقه در ادیان دیگر خواهیم پرداخت.

#### الف. سابقه در ادعیه اسلامی

شبهه نیست که در همه ادیان خصوصاً ادیان توحیدی، دعا جایگاه نمایانی در اعمال دینی دارد. نظر به قرب زمانی امر بهائی با اسلام، می‌توان پیش‌بینی کرد که از نظر نوع، شکل و ساخت و مضمون، قرابتی میان ادعیه بهائی و ادعیه اسلامی یافت شود.

گفتیم در دایرة‌المعارف اسلام، دعا به معنای درخواست چیزی از خدا آورده شده در حالی که باید گفت، نه مناجات‌ها و ادعیه سپاس و شکرگزاری از نعمت‌های الهی، نه مناجات‌های اظهار شوق و عشق به درگاه الهی در اسلام مفقود نیست. خود کتاب قرآن حاوی دعا‌های بسیار است یعنی آیات کوتاهی که حتی بعضی از آنها منسوب به پیغمبران یا بعضی از مقربان درگاه کبریاست. هر چند همه آیات قرآن را در همه زمان‌ها می‌توان قرائت کرد؛ اما خواندن بعضی آیات در مواقع و اوقات مخصوص (چون سوانح و وقایع سخت یا استثنایی) توصیه شده است.

دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی در این زمینه، بیست و چهار مورد را ذکر می کند؛ مثل دعا به هنگام رعد و برق، دعا در هنگام آتش روشن کردن، دعا هنگامی که انسان دچار سهو و فراموشی می شود، دعا هنگام مواجهه با دشمن و مانند آن. در قرآن، بسیاری از آیات جنبه دعا و مناجات دارد؛ مثل آیه ۲۶ از سوره آل عمران که ترجمه اش در قرن چهارم هجری چنین آمده:

بگو ای بارخدای، پادشای پادشاهی - بدهی پادشهی آن را که خواهی و بستانی پادشاهی از آن که خواهی و عزیز کنی آن را که خواهی و خوار کنی آن را که خواهی. بفرمان تست که تو بر هر چیز توانایی.

م احتمالاً ۶۲ فقره آیات در قرآن هست که محتوای دعا و راز و نیاز با خدا دارد.<sup>(۲)</sup>

در کتاب دین و روحانیت در روان پزشکی (به انگلیسی) چاپ کمبریج، ۲۰۰۹، تألیف (Ph. Huguélet و H.G.Koeng) آمده که جنبه مرکزی دعا نزد مسلمانان، عرض حاجت و درخواست از خداست (asking). در خود قرآن آمده است (ترجمه) که خداوند به شما گفته است که به من دعا کن و من دعای تو را اجابت خواهم کرد. (۶۰/۴۰) و هم در قرآن است که خدای من به شما توجهی نخواهد کرد مگر برای خاطر دعای شما (۷۷/۲۵) که اصل آن دو آیه ذیلاً نقل می شود:

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.» (قرآن ۶۰/۴۰)

«قُلْ مَا يَعْجَبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا.» (قرآن ۲۵/۷۷)

در این جا نقل نمونه ای از ادعیه و مناجات های مندرج در کتب مذهبی (اسلامی) چون کیمیای سعادت بمورد به نظر می رسد:

دعای پیامبر در حقّ والیان مردم دار:

- بار خدایا، هر والی ای که با رعیت رفق کند، تو با وی رفق کن و هر که عنف کند، تو با وی عنف کن.

- پرسش و پاسخ موسی با خدا

- یا ربّ از بندگان تو که توانگرتر؟

- آن که قناعت کند بر آن چه دهم

- که عادل تر؟

- آن که انصاف در خویشان بدهد.

بعد از قرآن، منبع مهمّ دیگر برای ادعیه را در آثار ائمه اطهار باید جست. در رأس آنها باید از صحیفه سجادیّه امام زین العابدین علی بن حسین و ۵۴ نوع دعای مختلف مذکور در آن یاد کرد. متن مهمّ دیگری حاوی دعا از مجلسی، مؤلف بحار الانوار به نام زادالمعاد است که گرچه همیشه دعوی آن دارد که دعاها را از اسناد موثق نقل کرده، ولی به قیاس احادیثی که روایت کرده، در صحت کلام او تأمل توان کرد. شروع کتاب در فضایل و اعمال ماه رجب است که مانند دو ماه شعبان و رمضان به عنوان بهترین ماه‌های سال معرّفی شده است. نمونه احادیث منقوله این است که هر کس سه روز در ماه رجب روزه بدارد، بهشت از برای او واجب گردد. مجلسی به اتکای اسناد معتبر به قول خود دعای روز اول ماه رجب را از امام زین العابدین نقل می‌کند و از حضرت صادق روایتی دارد که هر روز از ماه رجب چه دعایی را می‌خواندند. در ماه رجب دعاهای استغفار از گناهان را باید خواند که هر کس بخواند، خدای متعال ۷۰۰ حاجت او را در وقت مردن، ۷۰۰ حاجت او را در قبر و ۷۰۰ حاجت او را در وقت بیرون آمدن از قبر برخواهد آورد و هفتاد هزار ملک را مأمور خواهد کرد که او را تا بهشت مشایعت کنند. گمان دارم که اگر مجموع ادعیه

و اعمالی که برای شب و روز در هر ماه نقل شده به جای آورده شود، وقت برای کار دیگری نمی ماند. کتاب در فصل ۱۱ خود شامل زیارت نامه های حضرت رسول و ائمه اطهار است و حتی امام زمان، زیارت نامه مخصوص دارد در حالی که بنا به روایت، هنوز زنده و فقط از انظار غایب است.

از ذکر بقیه عناوین زادالمعاد می گذرم و فقط یادآور می شوم که حتی ادعیه ای برای نوروز و نیز اعمال مخصوص نوروز در کتاب آمده، در حالی که نوروز در تقویم عربی مطرح نیست. از امام صادق نقل می کند که، روز نوروز، روزی است که حق تعالی از ارواح انسان ها پیمان گرفت، در روز الست، که او را به یگانگی پرستند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان او. ضمناً امام یادآور می شود که در روز نوروز، کشتی حضرت نوح بعد از طوفان معروف بر کوه جودی قرار گرفت. (البته ادعیه ای که ذکر آنها رفت، همه به عربی است.)

در تاریخ ادبیات ایران، تألیف دکتر ذبیح الله صفا (جلد چهارم و نیز جلد پنجم که در چند بخش آورده شده و ما به بخش سوم آن ارجاع کرده ایم) فهرستی از نیایش نامه های معروف که بعضاً به فارسی ترجمه شده، آورده شده است که از آن جمله است: مفتاح النجاة ابن فهد حلی، جمال الصالحین حسن بن عبدالرزاق لاهیجی، سفینه النجات اصغر بن محمدیوسف قزوینی، تحفة الابرار (که ترجمه ای است از خلاصة الاذکار ملاً محسن فیض کاشانی) زادالعقبی باز از همان ملاً محسن فیض، لب الحسنات از همان مؤلف شامل دعا های روزها، هفته ها و ماه های هر سال و سه اثر از ملاً محمد باقر مجلسی مقیاس المصایح به فارسی، زادالمعاد که ذکرش رفت و تحفة الزائر که در باره رسم زیارت تربت پیامبر، امامان و فرزندان ایشان است.



سه اثر مهم دیگر عبارتند از: مفتاح الفلاح شیخ بهایی که آقا جمال خوانساری به فارسی ترجمه کرده، البلدان الامین تقی الدین ابراهیم عاملی به عربی و فارسی و بالاخره خزائن الجواهر محمدحسین قانون آبادی اصفهانی به هر دو زبان فارسی و عربی، و شگفت است که ۱۲ ماه سال، روزهای متبرک حتی هفته‌ها، شب و روز، سفر و حضر... هر یک نیایش‌های ویژه دارد یعنی دامنه ادعیه در اسلام بسیار وسیع است.

### ب. سابقه در ادبیات فارسی

چنان که مؤلف نجوای قلم می‌نویسد، مناجات‌ها و ادعیه در هفت نوع متون نشر فارسی شامل نثرهای علمی، نثرهای اخلاقی و اجتماعی (تعلیمی)، نثرهای تاریخی، نثرهای داستانی، نثرهای صرفاً ادبی، روی هم رفته مفقود و یا محدود است؛ اما در نثرهای دینی و تفسیری چون ترجمه تفسیر طبری و کیمیای سعادت غزالی، دعا و مناجات را به فراوانی می‌توان یافت. هم‌چنین در نثرهای عارفانه نظیر کشف المحجوب هجویری، رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری، اسرار التوحید شیخ ابو سعید.

به قول دکتر سیروس شمیسا، در ادبیات فارسی هم از ابتدا دو نوع ادبی جایگاه مهمی داشته؛ یکی مناجات و ستایش خداوند و نیایش و دیگری اندرز و اندرزنامه. وی در کتاب انواع ادبی (سال ۱۳۷۵) ضمن انواع دیگر از مناجات یاد می‌کند و می‌نویسد:

«مناجات، شاید بیشتر جنبه موضوع ادبی داشته باشد تا نوع ادبی. در هر حال، ماهیت مناجات از دیدگاه انواع ادبی غنایی است، زیرا راز و نیاز با خداوند، مایه‌های احساسی و عاطفی دارد. مناجات و ادعیه در ادبیات

فارسی بیشتر منشور است و معروف‌ترین نمونه آن، مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری است که علاوه بر آن که خود، شعرگونه است با شعر نیز همراه است؛ اما مناجات به صورت شعر معمولاً در آغاز آثار منظوم ملاحظه می‌شود که شاعر در بخشی از اثر خود با خداوند راز و نیاز می‌کند.»

به قول ایشان معادل مناجات در ادب فرنگی هیمن (hymn) است که در اصل سرودهایی در مدح و ستایش ارباب انواع (خدایان) بود و در مراسم مذهبی خوانده می‌شد. هیمن را از کهن‌ترین صور شعری دانسته‌اند و در همه کتب مقدس قدیم، نمونه‌هایی از آن هست و مزامیر داود در تورات به عنوان نمونه معروف است.

به طور کلی می‌توان گفت که همه کتب آسمانی و مذهبی از جنبه شعری که از نظر تأثیر و خیال‌انگیزی از نثر قوی‌تر است، خالی نیستند. مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری و برخی از اقوال مشایخ، گویی بازمانده و یادگار شعر در ایران پیش از اسلام است و اگر در نگارش سخنان آنان شکل معمول را رعایت نکنیم، به صوری شبیه به رباعی و ترانه می‌رسیم که هر چند آهنگین هستند ولی وزن عروضی ندارند که یک نمونه آن را از سخنان خواجه عبدالله انصاری نقل می‌کنیم که گفته است:

«الهی، اگر عبدالله را خواهی گداخت، دوزخی دیگر باید آلایش او را - و اگر عبدالله را خواهی نواخت، بهستی دیگر باید آسایش او را.  
و هم از اوست: الهی، نه ظالمی که گویم زنهار - نه مرا بر تو حقی که گویم  
بیار - کارتو داری هم چنان می‌دار - این انداخته خود را همی بردار.»

## ج. سابقه در اشعار

اکثر شاعران قدیم (کلاسیک) در آغاز دواوین خود اشعاری را در ستایش و سپاس خدا درج کرده‌اند که از جمله شاهکارهای ادب فارسی محسوب است.

شاعرانی چون سعدی بعضی از زیباترین اشعار خود را در نعت خدا سروده‌اند مثلاً:

اول دفتر به نام ایــــزد دانا      صانع و پروردگار و حیّ —وانا  
اکبر و اعظم خدای عالم و آدم      صورت خوب آفرید و سیرت زیبا  
یا:

فضل خدا را که تواند شمار کرد      یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد  
آن صانع لطیف که برفرش کائنات      چندین هزار صورت الوان نگار کرد  
ترکیب آسمان و طلوع ستارگان      از بهر عبرت نظر هوشیار کرد  
بحر آفرید و بز و درختان و آدمی      خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد

و مقدمه گلستان سعدی که از شاهکارهای نثر فارسی است نمونه خوب دیگری است:

«فراش، باد صبا را گفته تا فرش زمردی بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا  
بنات نبات در مهد زمین پیرورد، درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز  
ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده  
...»

با نفوذ عرف‌گرایی و تجدد، کم‌کم این بخش از ادبیات فارسی از رونق افتاده است. نیایش و ستایش خدا در دواوین شعرای کلاسیک ادب فارسی چندان اهمّیت دارد که حتی شاهنامه فردوسی که از نوع حماسی است، از این‌گونه شعر، تهی نمانده

است. اکنون مجملی در باره اسمای خدا در شاهنامه می‌آوریم که تا حدی زمینه‌ساز آثار بهائی از جهت نعوت الهی است. از اسما و صفات خدا در همان ابتدای شاهنامه «خداوند جان و خرد» را یاد می‌کند و کردگار جهان، خداوند نام و خداوند جای، خداوند روزی‌ده و رهنمای، آفریننده، یزدان، یعنی آن یزدان که ز ناچیز، چیز آفرید، خداوند کیهان و گردون سپهر، فروزنده ماه و خورشید و مهر، برتر از نام و از جایگاه، جهان‌آفرین ... به این ترتیب ملاحظه می‌شود که:

۱. تأکید فردوسی بیشتر بر صفت کردگاری و آفرینندگی و جهان‌آفرینی است.

۲. خدا را از هر ستایشی برتر می‌داند.

۳. خدا، خدایی نیست که فقط یک بار جهان را آفریده و از کار جهان دست شسته باشد، خداوند در زندگی بشر مداخلت دارد و خداوند روزی‌ده و رهنماست. وقتی جمشید از فرمان یزدان سر می‌پیچد، روزگار هم از او برمی‌گردد.

توسل به خدا تنها به گوینده اشعار اختصاص ندارد، قهرمانان و پهلوانان شاهنامه هم از خدا غافل نیستند؛ مثلاً هنگام نامه‌نگاری:

یکی نامه بنوشت ارژنگ‌وار	بر او کرده صدگونه رنگ و نگار
به نام خداوند خورشید و ماه	که او داد پر آفرین دستگاه
خداوند بی‌یار و انباز و جفت	از او یست پیدا و پنهان نهفت
جهان آفریننده بی‌نیاز	به فرمان او دان نشیب و فراز
روان شد به فرمان او هور و ماه	وز او دارد آرام خاک سبزه‌سایه
فرازنده طاق فیروزه فام	بر آورنده صبح زایوان شام
مه نوز راه سرافکنندگی	به گوش اندران حلقه بندگی
یکی را برآرد به چرخ بلند	یکی را به خاک افکند مستمند

۱. یعنی سرنوشت آدمیان در نهایت در دست خداست.

۲. ستایش خدا همراه با تشریفاتی مانند وضو است.

وقتی رستم دیو سپید را می‌کشد و کاوس را از بند می‌رهاند، به نیایش خدا می‌پردازد:

یکی پاک جای پرستش نخست	ز بهر نیایش سرو تن بشست
چنین گفت کای داور دادگر	ور آن پس نهاد از بر خاک سر
تو دادی مرا گردی و دستگاه	ز هر بد تویی بندگان را پناه
همه کامم از گردش ماه و هور	توانایی و مردی و فرّ و زور
دگر کس ندارد در این کار دست	زداد تو بینم همی هر چه هست
ز فرّت پیشیزی سپهری شود	زداد تو هر ذره مهری شود

که بی‌اختیار آدم به یاد این مناجات حضرت عبدالبهاء می‌افتد:

«هر قطره‌ای که به عواطف رحمانیت مؤید، بحری است بی‌کران و هر ذره که به پرتو انوار عنایت موفق، آفتابی است درخشنده و تابان.»

گفتنی است که وقتی رستم به ستایش یزدان می‌پردازد؛ ساز و برگ جنگی از تن به در می‌آورد:

ستایش جوگردان یل سرفراز      به تن بار پوشیده هر گونه ساز  
جنگ آوران خدا را یار و مددکار خود می‌پندارند:

و دیگر که دارنده یارمن است      بزرگی و مهرش حصارمن است  
و در هر حال به او توسل می‌کنند که در جنگ پیروز شوند.

چورستم ز چنگ وی \* آزاد گشت      بسان یکی کوه پولاد گشت

خرامان بشد سوی آب روان	چو جان رفته‌ای کو بیابند روان
بخورد آب و روی و سروتن بشست	به پیش جهان آفرین شد نخست
به زمزم بنالید بر بستی نیاز	نیایش گهی کرد بر چاره‌ساز
همی خواست پیروزی و دستگاه	نبود آگه از نحس خورشید و ماه

\* منظور سهراب است.

ذکری از عطار نیشابوری نیز شایسته است. اگر فردوسی بیشتر تحت تأثیر خدای نامه‌ها که سوابق آن‌ها به قبل از اسلام باز می‌گردد، شعر سروده؛ اما شعرای بعد از اسلام قویاً تحت تأثیر قرآن هستند. مثلاً دیوان عطار نیشابوری با قصیده‌ای در ستایش خدا آغاز می‌شود:

سبحان خالقی که صفاتش ز کبریا	در خاک عجز می‌فکند عقل انبیا
گر صدهزار قرن همه خلق کاینات	فکرت کنند در صفت عزت خدا
آخر به عجز معترف آیند کای اله	دانسته شد که هیچ ندانسته ایم ما

قصیده لبریز است از اشارات به قرآن، مثلاً:

سبحان قادری که در آیینۀ وجود	بنگاشت از دو حرف دو گیتی کمپشاه
چون برکشید آینه کل کاینات	عرش آفرید و ثمّ علی العرش استوی

محدودیت این مقال اقتضا نمی‌کند که نمونه‌های دیگری از شاهکارهای ادب فارسی را در ستایش خدا بیاوریم، نمونه‌هایی که فوق ذکر شد، گویای اهمیت این بخش در ادب منظوم است.<sup>(۳)</sup>

در میان عرفا، کسی که مناجات‌های او شهرت خاص دارد، خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱ - ۳۹۵ ه. ق) درخور یادآوری است، خصوصاً که آثارش در بسیاری

موارد، مشابهتی با آثار بهائی در این زمینه دارد. سخنان عارفانه و مناجات‌های وی در طی دوره‌ای متجاوز از ۹ قرن در میان پارسی‌گویان رواج داشته و بر عارف و عامی اثر نهاده است. (نقل از مقدمه الهی‌نامه)

در رساله الهی‌نامه این عبارت از او آمده: «الهی، اگر گوئیم، ثنای تو گوئیم و اگر جوئیم، رضای تو جوئیم.»

حضرت عبدالبهاء در مناجاتی می‌فرماید: «ما را موفق بدار تا رضای تو جوئیم و ثنای تو گوئیم و در راه حقیقت پوییم.»  
در منقولات میبدی چنین مذکور است:

«الهی، هر چند که ما گنه‌کاریم، تو غفاری، هر چند که ما زشت‌کاریم، تو ستاری. ملکا، گنج تو داری، بی‌نظیر و بی‌یاری، سزد که جفاهای ما درگذاری.»

حضرت عبدالبهاء در مناجاتی می‌فرماید: «ای آمرزگار، همه ما گنه‌کاریم و جفاکردار. تو آمرزنده‌ای، تو بخشنده‌ای. ای مهربان، در قدر و لیاقت منگر، در فضل و عفو بنگر.»

## د. سابقه در ادیان سایر

### نگاهی به دعا در ادیان سابقه

اکنون مجملی در باره دعا در ادیان سابقه ارائه می‌شود که ناچار در بعضی موارد، مضامین مشترک با ادعیه و مناجات‌های بهائی دارد.

۱. در آیین موسوی: مشهورترین مجموعه ادعیه یا مناجات‌ها، همان است که به مزامیر معروف است و ۱۵۰ مزمور یا سرود را در بر می‌گیرد؛ مثلاً مزمور شانزدهم که قسمتی از آن ذیلاً نقل می‌شود:

«ای خدا، مرا محافظت فرما، زیرا بر تو توکل می‌دارم. خداوند را گفتم تو خداوند من هستی، نیکویی من نیست غیر از تو. و اما مقدسانی که در زمین‌اند و فاضلان تمامی خوشی من در ایشان است. دردهای آنانی که عقب (خدای) دیگر می‌شتابند، بسیار خواهد شد. هدایای خونی ایشان را نخواهم ریخت، بلکه نام ایشان را به زبانم نخواهم آورد. خداوند، نصیب قسمت و کاسه من است.» (مزموری که هم حاوی دعا و هم موعظه است)

بر روی هم توان گفت که مضامین عمده این مزامیر عبارتند از: ستایش خدا، التماس به درگاه الهی، آوای حق‌شناسی و سپاس‌گزاری، اعتراف به گناهان، درخواست کمک در برابر دشمنان و از این قبیل. ربّاه‌ها (زبان‌ها) یعنی معلّمان یهود، ادعیه دیگری را هم معمول کرده‌اند که بعضاً دو سه بار در روز خوانده می‌شود؛ از جمله ادعیه‌ای قبل از غذا خوردن وجود دارد.

۲. در مسیحیت هم ادعیه رسمی جمعی یعنی لی‌ترجی (liturgy) وجود دارد و هم ادعیه خصوصی؛ اما از حضرت مسیح، یگانه مناجاتی که باقی مانده و در باب ششم انجیل متی نقل شده؛ چنین گفت:

«پس شما به این طور دعا کنید، ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیابد، اراده تو چنان که در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود. نان کفاف ما را امروز به ما بده و قرض‌های ما را ببخش چنان که ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شریر، ما را رهایی ده، زیرا ملکوت و قوت و جلال تا ابد الابد از آن تست. آمین»



مسیحیان اولیه سه بار در روز مناجات حضرت مسیح را می خواندند و حال برای اکثر مردم به دعای روزیک شنبه در کلیسا محدود شده است.

۳. آیین های هندوی و بودایی: دایرةالمعارف بریتانیکا می نویسد که پرستش (worship) پاسخ انسان است به جلوه امر مقدس یا هستی یا قوه برتر و شامل اعمال مرسوم نیایش (cult) است، مانند: انواع دعاها، رقص، پرستش افراد یا اشیاء، سوگند، مراقبت در سکوت و حتی اجرای موسیقی و خواندن آوازا و سرودهای مقدس. اگرچه در فرهنگ های شرق آسیا مردم خود به خود به دعا به سوی نیروی برتر متوسل می شوند؛ اما بیشتر مراقبت با تفکر در خلوت و سکوت یا ادعیه سرود مانند است که مورد عمل و توجه قرار دارد و ادعیه سنتی هم وجود دارد؛ ولی ظاهراً اجرای آن بیشتر بر عهده اصحاب روحانیت است.

دانش نامه بریتانیکا در زیر عنوان: (مراسم، مناسک، آداب) می نویسد: هر چند آیین ودایی حاوی برخی دعاهاى خصوصى است، ولی در سلسله مراتب نیایش ها، اولویت و اهمیت به دعای رسمی لی ترجی داده می شود. در این آیین، یک سلسله سرودها (hymns) وجود دارد؛ مانند سرود بامداد که مخاطب آن، اگنی یکی از دو خدای روشنایی است. دعای شب هم وجود دارد به نام ساویتو یعنی دعای تاریکی که برهمنان، شب هنگام تا زمان نمودار شدن ستارگان در تاریکی می خوانند. ادعیه ای هم وجود دارد که همراه قربانی خوانده می شود و ریگ ودا شامل عده ای مزامیر مقدس است که کاست (طبقه) روحانیون برای تجلیل از بزرگی خدایان و تکریم اعمال و افعال شریف آنها تنظیم کرده است. در هندوئیسم دو شکل دعا ترتیب داده شده؛ یکی از مقوله مراقبت یعنی (meditation) است و دیگری از مقوله ستایش که غالباً با یک ندا خطاب به خدایان چون شیوا آغاز می شود و ترجیع بندی دارد و از هزار اسم یا صفت شیوا یاد می کند.

عرفان هندی به دعای شفاهی اهمّیت می‌دهد که به تدریج منتهی به حالت جذبه (ecstasy) گردد. یک عارف هندوی قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی برای نیایش، پنج مرحله فائل شده، با اشاره به عشق در روابط اجتماعی به این ترتیب:

۱. عشق آرام

۲. عشق بنده و خادم خدا

۳. عشق فرد به خدا به عنوان عشق فرزند به پدر

۴. عشق به خدا به عنوان عاشق و بالاخره عشق در مرحله‌ای که عاشق و معشوق یکی می‌شوند.

در آیین بودایی چین و در آیین تائویی، علاوه بر ادعیّه همراه با قربانی، ادعیّه صومعه‌های مذهبی هم وجود دارد که صبح و ظهر و شب با آوای جرس اجرا می‌شود. دعا برای اموات هم هست. دعا برای زیارت هم هست و ادعیّه خصوصی برای رها شدن و نورانی شدن.

۴. آیین زرتشتی: سنّت دعا و مناجات در ادب فارسی بسیار قدیم است و می‌توان گفت: پروردگار حضرت زرتشت باز می‌گردد. علمای امروز اتّفاق نظر دارند که گاتاها اولین اثر آن حضرت است که به صورت منظوم سروده شده بعضی به صورت اشعار هجایی و حاوی اندرزها، راهنمایی‌ها، کلمات حکیمانه و امثالها علاوه بر مکالمه با اهورامزدا و دعا و مناجات است. مفاهیم بسیار ساده که گواه زندگی ابتدایی ایرانیان است، در گاتاها باز یافته می‌شود؛ مانند این پرسش از اهورامزدا:

«ای اهورامزدا، از تومی‌پرسم پادافره آن بدکنشی که مایه زندگی خویش را جز به آزار کشاورزان درست کردار و چارپایان به دست نیاورد چیست؟»

نمونه دیگری از ستایش خدا به کمال سادگی:

«ای اهورامزدا، از تو می‌پرسم به من بگو چه کسی زمین را در زیر و آسمان‌ها را بر فراز نگاه داشت که فرو نمی‌افتند؟ چه کسی آب‌ها و گیاه‌ها را بیافرید و چه کسی به بادها و ابرها تندی و شتاب بخشید؟»

یا:

«کیست که خورشید و اختران را به گردش آورد و نیروی کیست که گاه ما را می‌افزاید و بار دیگر می‌کاهد؟»

نمونه دیگری از مناجات‌ها در گاتها: «ای اهورامزدا، آن دانایانی را که در راستی و منش نیک سزاوار شناختی آرزو برآور و کامروا کن چه می‌دانم سخن و خواهش برای رستگاری نزد تو کارساز و سودبخش است.»

مری بویس که از متخصصان به نام آیین زردشت در حال حاضر است، در (چکیده تاریخ کیش زرتشت) می‌نویسد:

«آفریده‌های طبع که از زرتشت به جا مانده، بسیار اندک و عمدتاً بیان گفت و شنود قلبی و درونی او با خداوند است ... زرتشت، صمیمانه و عاشقانه به اهورامزدا اخلاص و ارادت داشته و به اصطلاح، سرسپرده و آستان‌بوس درگاه او بوده است.» (ص ۹۶ و ۱۰۱)

در عین انعکاس سادگی، زندگی در عصر حضرت زرتشت، مناجات‌های گاتها، گاه گویای فلسفه والای این آیین است؛ مثلاً در یسنا ۳۱ / ۱۱ به ترجمه پورداد آمده:

«در هنگامی که تو ای اهورامزدا در روز نخست از خرد خویش، بشر و دین و قوه اندیشه را آفریدی، در هنگامی که زندگی را به قالب مادی درآوردی،

وقتی که تو کردار و اراده را آفریدی، خواستی هر کس به حسب اراده خود از روی اعتقاد باطنی رفتار کند.»

ناگفته نماند که گاتاها شامل ۱۷ سرود است و ۲۳۸ بند را در برمی گیرد و سراسر به نظم هجایی است و خود جزیی از یسنا است.

### بعضی از وجوه مشخصه مناجات های بهائی

مناجات ها، یکی از بخش های عمده آثار بهائی اعم از الواح حضرت بهاء الله و مکاتیب حضرت عبدالبهاء را تشکیل می دهند و هر چند سوابق آنها را باید در ادیان سابقه، خصوصاً آیین اسلام و ادعیه عرفا جستجو کرد؛ اما در مقایسه با ادعیه و مناجات های گذشته، ویژگی هایی دارند که حق است مورد توجه پژوهندگان قرار گیرد.

اول ویژگی کثرت این دعاها و مناجات ها و وسعت استثنایی مضامین آنها است. نظر به این که صحیفه سجادیه با آوردن ۵۴ قسم دعا از قلم امام زین العابدین علی بن حسین به عنوان یک گنجینه وسیع دعا و مناجات می تواند مطرح شود، باید یادآور شد که دعاها و مناجات های بهائی وسعت بیشتری دارند و مضامینی کاملاً نو و بی سابقه را هم علاوه بر مضامین سابقه عنوان می کنند. چون عمده هدف نیایش در ادیان سابقه، رستگاری فردی بوده؛ لذا همان علی بن حسین، امام مسلمین، ۱۵ دسته دعا به اعتبار حالت و مسئله داعیان قائل شده از دعای توبه کنندگان و خداترسان گرفته تا دعای ذاکران، متمسکان و زاهدان. دیانت بهائی مسئله رستگاری فردی را امری ثانوی تلقی می کند و همه توجهش به دعوت فرد

به اختصاص همم و مساعی خود در راه خدمت به عالم انسانیت است؛ چنان که نمونه‌های آن را ذیلاً خواهیم آورد.

**خصوصیت دوم**، آهنگین بودن مناجات‌های بهائی است که توصیه شده به لحن خوش خوانده شود. اصولاً نیایش در آغاز به صورت شعر و سرود یعنی کلام موزون مطرح بوده، مانند گاتای زرتشت که حاوی مناجات‌های فراوان است. سنت آهنگین بودن مناجات نزد بعضی از عرفای مسلمان چون خواجه عبدالله انصاری حفظ شده که نثر او هم مسجع و هم گاه مقفاً است و بعضی از مناجات‌های بهائی به کلام او شباهت دارد، چنان که خواهد آمد.

**سومین ویژگی**، وجود مناجات‌های گروهی است. یعنی مناجات‌های فراوان برای مجتمع مؤمنان موجود است. مثلاً اهالی یک شهر یا منطقه، قوم یا گروه خاصی از مردم، طبقه یا قشری از خلق، نظیر مناجات‌ها برای شیراز، همدان، آل اسرائیل، احبای زرتشتی‌نژاد، مادران، کودکان، والدین و اماء الرحمن به طور کلی که در مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، چاپ آلمان (۲۰۰۱ م، ۱۵۷ بدیع) آورده شده است.

**چهارمین شاخص** مناجات‌ها، انعکاس اهداف این آیین است در کلام نیایشی. چند نمونه از مناجات‌های حضرت عبدالبهاء معطوف به اهداف اهل بهاء را ذیلاً می‌آوریم:

در مناجاتی مصدر به خداوند مهربانا آمده است:

«پس عنایت کن و مرحمت فرما تا علم وحدت عالم انسانی بلند نمایم و نورانیت آسمانی شرق و غرب را احاطه کند، جمیع احزاب متحد شوند و

حیات ابدی جویند و ترویج وحدت عالم انسانی نمایند و صلح عمومی  
انتشار دهند...»

در مناجاتی مصدر به ای پروردگار، می فرمایند:

«قلوب را نورانی فرما و وجوه را رحمانی کن تا بنیان محبت و مهربانی در  
عالم انسانی تأسیس گردد و نوع بشر به یکدیگر مفتون و مهرپرور گردند.  
شرق، دست در آغوش غرب نماید، فرنگ بی درنگ سبیل محبت پوید،  
ترک، تاجیک را همدم داند و هم آغوش و مهربان شمرد. کل با هم در نهایت  
الفت و یگانگی معاشرت و مصاحبت نمایند، بیگانگی نماند، ذکر اغیار  
نشود و همدیگر را آشنا و یار و غمگسار گردند.»

در مناجاتی مصدر به خداوندا، مهربانا، کریم، رحیما، می فرمایند:

«جمیع را محافظه فرمایی و کل را به نظر مکرمت منظور داری. ای پروردگار،  
... در ظلّ عنایتت، کل را متحد کن و جمیع را متفق فرما تا جمیع انوار یک  
شمس شوند، امواج یک دریا گردند ... از یک انوار اقتباس نمایند.»

نمونه مناجات‌ها برای طلب تأیید نسبت به اقدامات جمعی این مناجات است:

«ای پروردگار مهربان، این انجمن به جهت نصرت کلمه الله و روح القدس  
تشکیل شده، تأیید و توفیق بخش و مؤید به قوه آسمانی نما تا این انجمن  
چون شعله نورانی برافروزد و انوار رحمانی مبذول دارد و اطراف را روشن  
کند، تعالیم آسمانی ترویج نماید و به وحدت عالم انسانی خدمت کند.»

پنجمین مشخصه، آن‌که مناجات‌های بهائی به مناجات‌های عرفا بیشتر نزدیک  
است تا به ادعیه جماعات دیگر و به همین جهت انعکاس مناجات‌های عرفانی

چون خواجه عبدالله انصاری را در مناجات‌های بهائی می‌توانیم یافت یک نمونه آن را ذیلاً عرضه می‌داریم:

خواجه گوید:

«الهی، اگر مجرمیم، مسلمانیم و اگر بد کرده‌ایم، پشیمانیم. اگر ما را سوزی، سزای آنیم و اگر بیامرزی، به جای آییم.»

از حضرت بهاءالله در ادعیه محبوب چنین آمده است:

«مجرمیم، ولكن از توایم، محروم منما. بعیدیم، ولكن بساط قربت را آمل و سائلیم، ما را منع مکن.» (ص ۳۲۶)

«اگر اجابت فرمایی، محمودی در امر و اگر ردّ نمایی، مطاعی در حکم.» (ص ۳۳۳)

و هم‌چنین:

«اگر عطا فرمایی، شاکریم و اگر محروم نمایی، حامد و صابریم.» (ص ۳۵۴)

مشخصه ششم مناجات‌های بهائی، اهمّیت تجلیل از عظمت الهی است. در نوشته بعضی محققان ملاحظه شود که ادعیه اسلامی را بیشتر از مقوله درخواست یعنی تقاضای یک لطف و مرحمت از جانب خدا می‌دانند و برخی هم گفته‌اند که ادعیه مسیحی، بیشتر از نوع شکرگزاری و اظهار عشق و محبت به خداست. البته دعاهایی که به اقتضای طبیعت انسانی در جهت تقاضای مواهب الهی است در آثار بهائی هم هست؛ اما مناجات‌های بسیاری در تجلیل و تعظیم حق و ستایش او و اظهار خضوع و خشوع و محویت به درگاه الهی از قلم طلعات مقدسه این ظهور

اعظم صادر شده که فقط به ذکر یکی از دو مورد از آنها از قلم حضرت بهاءالله اکتفا می‌شود:

«الها، کریما، یکتا خداوندا، جودت وجود را هستی بخشید و موجود نمود. از دریای رحمت محرومش منما. این مظلومان را در ظلّ سدره عدلت مأوی ده و فقیران را به بحر غنایت راه نما. تویی مالک جود و سلطان عطا.» (ص ۳۲۰)

یا:

«الها، معبودا، مسجودا، این مشت خاک را از اهتزاز کلمه مبارکه منع منما و از حرارت محبت محروم مساز. دریاهاى عالم بر رحمت محیطهات شاهد و گواه و آسمان‌ها بر رفعت و عظمتت مقرّ و معترف... الخ» (ص ۳۵۶)

البته در امر مبارک هیچ منعی نیست که انسان تقاضای خود را هر چه باشد (طلب غفران، طلب شفا، طلب رفع مشکلات و بلايا...) به درگاه الهی معروض دارد ولی ایمان حقیقی اقتضا می‌کند که انسان، آنچه را اراده الهی است، بپذیرد و خواست خود را منوط به قبول حضرت باری تعالی داند؛ به فرموده حضرت بهاءالله:

«امر، امر توست و حکم آن تو و عالم قدرت زیر فرمان تو. هر چه کنی عدل صرف است بل فضل محض.» (ادعیه محبوب، ص ۳۰۹)

### یادداشت‌ها:

۱. در این ۵۴ نوع دعای اسلامی، حتی یک دعا برای طلب اتحاد بشریت یا صلح و نظایر آن که در مناجات‌های بهائی آمده، دیده نمی‌شود. در مقابل دعا برای مرزداران اسلام و برای دفع شر دشمنان موجود است.



۲. از کتاب‌های مفید که در ایران در سال‌های اخیر نشر شده، کتاب نجوای قلم است؛ به عنوان درآمدی بر پیشینه مناجات منثور فارسی که تا حدود قرن هفتم هجری آورده شده. مؤلف دکتر حسین داودی است و چاپ اول، مربوط به سال ۱۳۸۰. در فصل اول گزیده آیات قرآن آمده به ترجمه تفسیر طبری که نشان دهنده سبک سال‌های ۳۶۰ - ۳۵۰ ه.ق است.
۳. برای نمونه می‌توان رجوع کرد به بخش یکم گلچین جهانبانی شامل ۱۱۳ بیت در توحید و ستایش یزدان، طبع انتشارات علمی، ۱۳۶۳.